

معناشناسی واژه «فاحشه» در قرآن

آزیتا سامانی^۱

چکیده

فهم درست و دقیق واژگان قرآن نخستین و مهم ترین گام در عرصه‌ی فهم قرآن کریم است. یکی از پرکاربردترین و جدیدترین روش‌ها در فهم قرآن، روش معناشناسی است که از منظر زبانشناسی، دانشی است که به بررسی معنا می‌پردازد. واژه مورد بررسی در این نوشتار، فاحشه است. فاحشه افعال یا گفتاری است که قباحت و زشتی آنها بسی بزرگ و آشکار می‌باشد و در مصاديقی از جمله زنا، لواط و... به کار رفته است. در این مقاله سعی شده کاربرد واژه فاحشه در قرآن مورد بررسی قرار گیرد که در برخی از آیات، به هر عمل زشت، گناه و نافرمانی از خداوند اطلاق شده و در برخی دیگر، برای بیان مصاديقی همچون لواط، زنا، ازدواج با همسر پدر، آزردن شوهر و... که اقوال مفسران نیز این معانی را تصدیق کرده است.

کلید واژه: قرآن، فاحشه، زنا، لواط، ازدواج با همسر پدر، آزردن شوهر.

^۱. طلب سطح دو مدرسه علمیه حضرت ولی عصر (عج)، Samanisamani65@gmail.com

از نظر لغتشناسان و مفسران، بررسی معنای واژه‌های قرآن یکی از ضرورت‌های ترجمه و تفسیر قرآن است. این ضرورت در باب واژگانی که دارای گسترده‌گی معنا هستند، چندین برابر می‌شود. یکی از این واژه‌ها فاحشه می‌باشد که در برخی از آیات قرآن ذکر شده است و در هر کدام از آیات شریفه، با توجه به قرائت و مضمون آن، دارای معنایی متفاوت می‌باشد. در این مقاله نیز سعی بر آن است که این معانی ذکر گردیده و اقوال مفسرین گرانقدر درباره آن بیان گردد.

«فاحشه» از نظر اهل لغت

«فاحشه» از ریشه «ف، ح، ش» به معنی بسیار زشت است گرچه بعضی قبح مطلق گفته‌اند. در قاموس گوید: فاحشه هر گناهی است که قبح آن زیاد باشد.^۲

راغب اصفهانی در معنای فاحشه گفته است: «فُحْش، فَحْشَاء وَ فَاحِشَةٌ: افعال یا گفتاری است که قباحت و زشتی آنها بسی بزرگ و آشکار است.»^۳

در مقایيس اللげ چنین آمده است: «الفاء و الحاء و الشين، زشتی و شناعت است و زمانی به خارج شدن یک شیء از حد و اندازه فاحش گفته می‌شود که بسیار ناخوشایند باشد.»^۴ چنان که بر چیزی که از حد بگذرد، «فاحش» اطلاق می‌شود و جمله «غبن فاحش» به معنای زیانی است که از حد متعارف بیشتر است.^۵

^۲. قاموس قرآن، ج ۵، ص ۱۵۳.

^۳. مفردات الفاظ قرآن، ج ۳، ص ۱۹.

^۴. معجم مقاييس اللげ، ج ۴، ص ۴۷۸.

^۵. المصباح المنير، ص ۴۶۳.

«الفحشاء: الفاحشة، وكل شيء جاوز حدّه فهو فاحش...»^۶ يعني هر چیزی که از اندازه خویش تجاوز کرد فاحش خوانده می شود. بنا بر این تعریف مناسب است هر گناهی فاحش و فاحشه خوانده شود؛ زیرا بندۀ عاصی پا را از حد خود بیرون نهاده و از حد بندگی تجاوز کرده است.

«وقد تكرر الفحش و الفاحشه و الفواحش فى الحديث، و هو كل ما يشتـد قبحـه من الذنوب والمعاصـى و كثيراً ما تـرد الفاحشـة بمعنى الزنا. و كل خـصلـة قـبـحـة فـهـى فـاحـشـة من الأقوـال والـاعـوال»^۷ يعني این که هر چیز زشت مانند گناهان، فاحشه و فحش و فواحش نامیده می شود. البته در موارد بسیاری «فاحشـة» به زنا اطلاق می شود و هر خـصلـت زـشت خـواـه درـگـفتـار و خـواـه درـکـدار فـاحـشـه نـامـیدـه مـی شـود. بنابر این هر گناهی فاحشه است.

«الفاحشـة: الزـنى و ما يـشتـد قـبـحـة من الذـنـوب و كل ما نـهـى الله عـزـوـجـلـعـنـه»^۸ يعني فاحشه عبارت است از چیز بسیار زشت؛ مانند گناهان و هر آنچه خداوند آن را نهی کرده است.

علامه طباطبایی نیز در المیزان آورده است: مفرد فواحش، فاحشه است و آن عبارت است از گناه بسیار زشت که زنا و لواط در آیه های ۱۰۵ سوره اسراء و ۵۴ سوره نمل از مصاديق آن به حساب آمده اند.^۹

واژه فاحشه در قرآن

واژه «فاحشه» در آیات قرآن ذکر شده است که با توجه به مضمون آیه می توان گفت در معانی چون عمل بسیار زشت، زنا، لواط و ازدواج با همسر پدر بیان گردیده که در ادامه، آیات مربوط به این معانی ذکر خواهد شد.

۶. الصحاح تاج اللغة، ج ۳، ص ۱۰۱۴.

۷. النهاية في غريب الحديث، ج ۳، ص ۲۱۵.

۸. القاموس المحيط، ج ۲، ص ۲۸۲.

۹. تفسير المیزان، ج ۱۸، ص ۶۲.

۱- عمل بسیار زشت

خداؤند در ۱۳۵ سوره آل عمران می فرماید: (وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أُولَئِكُمْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ)

علامه طبرسی در تفسیر آن می فرماید: اصل فاحشه از فحش است و فحش یعنی قبح و گناه بزرگ مرتكب شدن و از این رو به کسی که به حد افراط بلند باشد فاحش الطول گویند.

ایشان در معنی فاحشه چند قول را آورده است: ۱- فاحشه یعنی زنا، ۲- فاحشه گناهان کبیره است ۳- فاحشه اسم هر گناه ظاهر و پنهانی است الا اینکه معمولاً جز در مورد کبیره اطلاق و استعمال نمی شود.^{۱۰}

در تفسیر شبیر نیز منظور از (وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً) کسانی می داند که گناه بسیار زشت انجام دهنده اثر آن به دیگران سرایت کند.^{۱۱} و یا مراد از (وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً) گناهی است که زشتی آن آشکار است.^{۱۲}

خداؤند در آیه ۲۸ سوره اعراف می فرماید: (وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمْرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ...)

در مجمع البیان آمده است که مراد از فاحشه طوف برخنه است و مراد از فحشا اسمی است که دربرگیرنده تمام زشتی ها و گناهان است.^{۱۳} علامه طباطبایی در المیزان بعد از نقل مطالب یاد شده از مجمع البیان و دیگران طوف برخنه را مصداقی از مصادیق فاحشه دانسته است و معنای فاحشه را اعم از طوف برخنه دانسته است.^{۱۴}

۱۰. مجمع البیان، ج ۲، ص ۳۹۴.

۱۱. تفسیر القرآن الکریم (شبیر)، ج ۱، ص ۶۷.

۱۲. تفسیر روان جاوید، ج ۱، ص ۲۹۷.

۱۳. مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۳۹ تا ص ۲۴۰.

۱۴. تفسیر المیزان، ج ۸، ص ۷۳.

خداؤند در آیه ۳۰ سوره احزاب می فرماید: (مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ يَضَعِفُ لَهَا الْعَذَابُ ضِعَفَينَ)

از بیان مصادیق مختلف در تفاسیر یاد شده به دست می آید که فاحشه به معنای هر عمل زشت، گناه و سرپیچی در برابر فرمان های خداوند است که طبق فرموده علامه طباطبایی اعمالی مانند آزردن پیامبر، دروغ بستن و مانند آنها را شامل می شود و «مبینه» به معنای آشکار است.^{۱۵}

-۲- زنا

خداؤند در آیه ۱۵ سوره نساء می فرماید: (وَاللَّاتِي يَأْتِيْنَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوْا عَلَيْهِنَّ أُرْبَعَةً....)

به اتفاق مفسران «الفاحشة» در این آیه به معنای زناست. شیخ طوسی ذیل آیه شریفه آورده است که این قول مفسران است که مراد از «الفاحشة» در این آیه زنا می باشد.^{۱۶}

خداؤند در آیه ۲۵ سوره نساء می فرماید: (...فَإِنْ أُتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفٌ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ العَذَابِ)

چنانچه آیه نیز در این معنی ظهرور دارد می توان گفت همه مفسران پذیرفته اند که مراد از فاحشه در این آیه زناست.^{۱۷}

خداؤند در آیه ۳۲ سوره اسراء می فرماید: (وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنَا إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا) از اینکه در آیه ابتدا از زنا نهی کرده و سپس آن را تعلیل کرده به اینکه زنا فاحشه و شیوه بدی است معلوم می شود که زنا با فاحشه در معنی مترادف نیستند، بلکه مفهوم فاحشه گسترده تر از مفهوم زناست

^{۱۵}. همان، ج ۱۶، ص ۳۰۷.

^{۱۶}. التبیان فی التفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۴۳.

^{۱۷}. مجمع البیان، ج ۳، ص ۶۴؛ التفسیر الصافی، ج ۱، ص ۴۱؛ تفسیر قمی، ج ۱، ص ۴۷؛ تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۲۷۸؛ جامع البیان، ج ۴، ص ۲۳۹.

و زنا از مصادیق آن است. ابی الجاورد می گوید: امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه فرمود: (وَلَا تَقْرَبُوا
الزِّنَا إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً)؛ یعنی معصیه و مقتاً فان الله یمکته و یبغضه» در این روایت به هر گناهی فاحشه

اطلاق کرده است.^{۱۸}

۳- ازدواج با همسر پدر

خداؤند در آیه ۲۲ سوره نساء می فرماید: (وَلَا تُنْكِحُوا مَا نَكِحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ
كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتَلًا...)

در این آیه ازدواج با همسر پدر فاحشه اطلاق شده است. از رسم‌های غلطی که در جاهلیت رواج داشت، ازدواج با همسر پدر بود؛ البته عده‌ای از مردم که مروت و آزادگی داشتند، مخالف این نکاح بودند و این نکاح نزد آنان معروف به نکاح مقت بود.^{۱۹} قرآن این رسم جاهلی را نکوهش می‌کند و آن را فاحشه می‌خواند.

۴- لواط

خداؤند در آیه ۸۰ سوره اعراف می فرماید: (وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ
أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ)

و نیز در آیه ۵۴ سوره نمل می فرماید: (وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنْتُمْ تُبَصِّرُونَ)
و نیز در آیه ۲۸ سوره عنکبوت می فرماید: (وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا
مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ)

روشن است که مراد از فاحشه در آیات شریفه، لواط است؛ زیرا آیات مربوط به قوم لوط و فعل آنان لواط بوده است.

^{۱۸}. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۹.

^{۱۹}. تفسیر الكشاف، ج ۱، ص ۴۹۲-۴۹۳.

۵- آزدند شوهر

خداؤند در آیه ۱ سوره طلاق می فرماید: (لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يُخْرُجُنَّ إِلَّا أُنْ يَأْتِينَ بِفَاحِشَةٍ

مُبَيِّنَةٍ)

اقوال مفسران درباره فاحشه در این آیه شامل مصاديقی مانند زنا، سحق، اشراف به مردان اجنبي، سرقت از شوهر، بدگوري به شوهر و بستگان آن، نشوز در برابر شوهر، هر گناه آشکار، بیرون رفتن از منزل بدون اذن شوهر می باشد.^{۲۰} اما به نظر می رسد بعد از دقت در کلمات، مقصود از فاحشه در آیه، هر عملی است که موجب آزار شوهر گردد.

همچنین خداوند در آیه ۱۹ سوره نساء می فرماید: (... إِلَّا أُنْ يَأْتِينَ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَعَالَمِرُوْهُنَّ بالْمَعْرُوفِ ...)

در اينکه مراد از «فاحشه مبينه» چيست سخنانی گفته شده است، اما در مجمع البيان و جامع البيان آمده است: بهتر آن است که بگويم مراد آیه همه گناهان است چنانچه اين مطلب مطابق روایت امام باقر عليه السلام نيز هست. چرا که طبق فرمایش امام عليه السلام فاحشه در آیه بر اعم از زنا، نشوز، بد رفتاري، عدم عفت و غير آن اطلاق شده است.^{۲۱}

^{۲۰}. مجمع البيان، ص ۱۸۹؛ تفسير الميزان، ج ۷، ص ۲۰؛ جامع البيان، ج ۸، ص ۲۰.

^{۲۱}. مجمع البيان، ج ۳، ص ۴۷؛ جامع البيان، ج ۴، ص ۴۱۰-۴۱۳.

نتیجه گیری

معناشناسی قرآن، تحقیق و مطالعه ای تحلیلی درباره واژگان عربی است که به وسیله آن بطور آیات و واژه ها با توجه به توان علمی و اطلاعات بشری استخراج می شود. در این مقاله با استفاده از این روش به بررسی واژه فاحشه پرداخته شد که نتایجی چند حاصل شد:

فاحشه در لغت به معنای عمل قبیح و زشت است و به همه افعال یا گفتاری اطلاق می شود که قباحت و زشتی آنها بسی بزرگ و آشکار است که مصدق بارز آن زنا می باشد.

از جمع بندی گفتار مفسران در تفسیر آیاتی که واژه فاحشه در آن به کار رفته به دست می آید که مفهوم حقیقی فاحشه، مطلق زشتی و هر گونه سرپیچی از فرمان خداست و این مفهوم منطبق بر مطلق گناهان است و بر هر گناهی اطلاق این واژه صحیح است. اما در آیاتی از قرآن، در برخی از مصاديق زشتی به کار رفته است؛ مانند زنا، لواط، ازدواج با همسر و پدر، آزردن شوهر، طواف برهنه و...

منابع و مآخذ

- ١) قرآن کریم
- ٢) قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، چاپ: ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
- ٣) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، چاپ: دوم، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۴ش.
- ٤) ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقایيس اللげ، مصحح: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
- ٥) فيومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، چاپ: دوم، قم: موسسه دارالهجرة، ۱۴۱۴هـ ق.
- ٦) جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللげ، تحقيق احمد عطار، بیروت: دارالعلم للملائیین، ۱۴۰۷ق.
- ٧) ابن الاثیر، النهاية فی غریب الحديث، چاپ چهارم، تحقيق طاهر احمد و دیگران، قم: اسماعیلیان، ۱۳۶۴ش.
- ٨) الھورینی، الشیخ نصر، القاموس المحيط، بی جا: بی نا، بی تا.
- ٩) طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین، بیتا.
- ١٠) طبرسی، فضل بن حسن، مجتمع البیان، تحقيق لجنة من العلماء، بیروت: موسسه الاعلامی، ۱۴۱۵ق.
- ١١) شبر، سید عبدالله، تفسیر القرآن الکریم (شبر)، بیروت: دارالبلاغه، ۱۴۱۲ق.

- ١٢) نقفی، محمد، **تفسير روان جاوید**، چاپ سوم، تهران: برهان، ۱۳۹۸ ق.
- ١٣) طوسی، محمد بن حسن، **التبیان فی التفسیر القرآن**، تحقيق احمد عاملی، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ق.
- ١٤) فیض کاشانی، محسن، **التفسیر الصافی**، چاپ دوم، تحقيق حسین اعلمی، تهران: مکتبه الصدر، ۱۴۱۶ق.
- ١٥) طبری، محمد بن جریر، **جامع البيان**، بيروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
- ١٦) قمی، علی بن ابراهیم، **تفسير القمی**، چاپ سوم، قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
- ١٧) زمخشیری، محمود، **تفسير الكشاف**، بی جا: بی نا، بی تا.